مجله‌ی علمی‌پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال چهارم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۹۲ (پیاپی ۷)

شخصیت‌سازی و شخصیت‌پردازی در آثار اقتباسی از *مثنوی* مولوی برای کودکان و نوجوانان

محمدیوسف نیری* **پروین مرتضایی****
دانشگاه شیراز

چکیده

شخصیت‌سازی و شخصیت‌پردازی یکی از عناصر مهم در آثار داستانی کودک و نوجوان است و به دلیل اهمیت فراوان آن، نویسندگان همواره در گزینش و عملکرد شخصیت‌های داستانی آثار خود دقت کرده‌اند. در آثار ادبی اقتباسی از متون کهن نیز شخصیت‌پردازی از جایگاه مهمی برخوردار است؛ به گونه‌ای که شخصیت‌ها ابزار بیان اندیشه و پیام نویسنده قرارگرفته‌اند. شخصیت‌های آثار اقتباسی از *مثنوی* بهترین نمونه برای اثبات این ادعا هستند. در این مقاله، نخست انواع شخصیت در ۳۵ اثر اقتباسی از *مثنوی*، از جمله خاله خودپسند، راز و پرنده سخن‌گو، برای کودکان و نوجوانان، معرفی و دسته‌بندی شده است، در ادامه مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت‌های این آثار معرفی شده و میزان دخل و تصرف نویسندگان در شخصیت‌پردازی آثار اقتباسی روشن شده است. آثار مورد نظر به چند دلیل از بین ۱۲۸ اثر اقتباسی از *مثنوی* انتخاب شده است؛ دلیل اول آن که این آثار غالباً تک روایتی بوده و مجموعه‌های داستانی به دلیل طولانی بودن آن‌ها، از حوزه‌ی این پژوهش خارج شده‌اند و دیگر آن که این پژوهش، فقط آثار اقتباسی بازآفرینی و بازنویسی را بررسی کرده و دیگر انواع اقتباس، از حوزه‌ی بررسی خارج شده‌اند. هدف از بررسی شخصیت‌ها در آثار اقتباسی از *مثنوی* این است که انواع شخصیت‌ها مشخص و دسته‌بندی شده و شیوه‌های پردازش آن‌ها بررسی شود. دسته‌بندی شخصیت‌ها، بررسی جنبه‌های نمادین آن‌ها و کشف

* استاد زبان و ادبیات فارسی nayyeri@rose.shirazu.ac.ir
** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی parvin.mortezaie@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۲۷

نوآوری‌ها در شخصیت‌سازی این آثار از جمله، ورود شخصیت‌های کودک و نوجوان و شخصیت‌های مؤنث، از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، توصیف، شخصیت، شخصیت‌پردازی، گفت‌وگو، *مثنوی* مولوی.

۱. مقدمه

در ادبیات داستانی، شخصیت و شخصیت‌پردازی، یکی از عناصر مهم و برجسته است که محور و مرکز کنش‌ها و پی‌رنگ داستان و دیگر عناصر قرار می‌گیرد. شخصیت‌های یک داستان ارتباط تنگاتنگی با دیگر عناصر و مخاطب داستان دارند؛ بنابراین نویسنده باید در انتخاب شخصیت‌های اثر خود، نهایت دقّت را به کار گیرد. اهمیت شخصیت‌پردازی در داستان، تا آن جا است که بدون آن شکل‌گیری داستان ناممکن به نظر می‌رسد (سیگر،[1] ۴۸:۱۳۷۴).

نویسنده با خلق یک شخصیت، گویی به آفرینش انسانی دست می‌زند که در ماجرای داستان حضور پیدا می‌کند و تأثیرگذار می‌شود. شخصیت داستان تخیل نویسنده را به نمایش می‌گذارد و در پیوند نزدیک با دیگر عناصر داستانی در خلق اثر، به نویسنده یاری می‌رساند در واقع حضور شخصیت در داستان، واقعه داستان را گسترش می‌دهد و پی‌رنگ را شکل و ساختار می‌بخشد و تخیل نویسنده را به نمایش می‌گذارد (همان: ۳۳).

درباره‌ی شخصیت تعریف‌های گوناگونی ارائه شده که بسیار نزدیک به یکدیگر است. میرصادقی بر این باور است که «شخصیت‌ها، اشخاص ساخته شده‌ای هستند که در داستان و نمایش‌نامه ظاهر می‌شوند و در اثر روایتی و نمایشی، شخصیت، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل او و آن چه می‌گوید و می‌کند وجود داشته باشد» (میرصادقی، ۸۴:۱۳۸۸). به طور کلی «شخصیت در اثر داستانی و نمایشی فردی است دارای ویژگی‌های اخلاقی و ذاتی که این ویژگی‌ها از راه آن چه که انجام می‌دهد و آن چه که بیان می‌کند نمود می‌یابد» (مستور، ۳۳:۱۳۸۷).

در ادبیات کودک و نوجوان که به عنوان پدیده‌ای نوظهور مطرح است، گونه‌ی ادبی داستان از پرکاربردترین انواع ادبی است. در این داستان‌ها، شخصیّت از جایگاه

[1] Linda Seger

انکارناپذیری برخوردار است. در آثار داستانی اقتباسی از متون کهن برای کودکان و نوجوانان نیز شخصیت و شخصیت‌پردازی اهمیت بسیار دارد؛ چنان که بررسی تغییرات اساسی در شخصیت‌های آثار ادبی برگرفته از متون کهن، این اهمیت را آشکار می‌کند.

حکایت‌های *مثنوی* از جمله آثاری است که با توجه به قابلیت‌های خود، بارها از سوی نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان بازنویسی شده اند. در این آثار، نویسندگان به مقوله‌ی شخصیت‌پردازی اقبال ویژه‌ای داشته‌اند و با ایجاد تغییرات گسترده در ویژگی‌های شخصیت‌ها و آفرینش شخصیت‌های جدید کودک و نوجوان و تأکید بر نقش جنسیت، علاقه‌ی خود را به این مقوله نشان داده‌اند. تنوع شخصیت‌ها، تمثیلی و نمادین بودن آن‌ها، تخیلی بودن بعضی از این شخصیت‌ها، در آثار اقتباسی از *مثنوی* جذابیت ویژه‌ای به این آثار بخشیده است.

بررسی سیر شخصیت‌پردازی در آثار اقتباسی از *مثنوی*، در هیچ اثر جامعی بررسی نشده است، تنها در بعضی از پژوهش‌های انجام شده، نگاهی گذرا به مقوله‌ی شخصیت‌پردازی در آثار داستانی برگرفته از *مثنوی* صورت گرفته است، برای مثال در اثری پژوهشی با عنوان «*نقد و بررسی آثار بازنویسی از شاهنامه، کلیله و دمنه، مرزبان نامه، منطق الطّیر، مثنوی و گلستان* برای کودکان و نوجوانان» (سنجری،۱۳۸۴) به شخصیت‌های چند حکایت برگرفته از *مثنوی* اشاره‌ای گذرا شده است. در مقاله‌ی «بررسی چند دهه بازنویسی از *مثنوی*» (پایور،۱۳۸۰: ۱۶-۲۲) نویسنده گذری به شخصیت‌پردازی در آثار بازنویسی از *مثنوی* داشته است.

با توجه به اهمیت شخصیت در داستان، نویسندگان آثار اقتباسی از *مثنوی* نوآوری‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند که با هدف ایجاد خلاقیت در روایت انجام شده است؛ این تغییرات دیگر عناصر داستان را نیز، تحت تأثیر قرار داده است. در بررسی این شخصیت‌ها پرسش‌هایی مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن ها به قرار زیر است: ۱. شخصیت‌های خلق شده چه تفاوت‌هایی با شخصیت‌های *مثنوی* دارند؟ ۲. این شخصیت‌ها در کدام گروه شخصیتی قرار می‌گیرند و چه نقشی در داستان ایفا می‌کنند؟ ۳. در شیوه‌های شخصیت‌پردازی چه تغییراتی ایجاد شده؟ ۴. آیا در معرفی شخصیت‌های داستانی برای کودکان و نوجوانان، روش‌های جدیدی به کار رفته است؟

۲. نوآوری در آثار اقتباسی از *مثنوی*

نوآوری در داستان‌های برگرفته از مثنوی و در شخصیت‌های آن‌ها در دو محور قابل پیگیری است: ۱. شخصیت‌سازی و خلق شخصیت ۲. شیوه‌های نوین شخصیت‌پردازی و معرفی شخصیت‌ها.

۲. ۱- نوآوری در شخصیت‌سازی

در آثار اقتباسی از *مثنوی*، انواع شخصیت‌ها در سه گروه کلی شخصیت‌های جاندار(انسان، حیوان)، شخصیت‌های بی‌جان (اشیاء، عناصر طبیعت) و شخصیت‌های روحانی، قابل دسته‌بندی هستند. در مقایسه‌ی این شخصیت‌ها با شخصیت‌های حکایت‌های *مثنوی* نوآوری‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها خلق شخصیت‌های جدید است که در این آثار تنوع و تازگی ایجاد کرده است. این شخصیت‌ها عبارت‌اند از: شخصیت‌های مؤنث، شخصیت کودک و نوجوان، شخصیت‌های برگرفته از عناصر طبیعت، شخصیت‌های طنزپرداز، شخصیت‌های تخیلی برگرفته از عناصر طبیعت و... در این جا هر گروه از این شخصیت‌ها بررسی و نوع نقش داستانی آن‌ها مشخص می‌شود.

۲. ۱. ۱- شخصیت مؤنث

دیدگاه مولانا در *مثنوی* درباره ی زن متناقض و دوگانه است از سویی زن نماد عشق الهی است و از سوی دیگر نماد نفس است؛ اما در آثار اقتباسی از *مثنوی*، شخصیت مؤنث از دیدگاه مثبت مورد توجه قرار گرفته و به عنوان نجات بخش، راهنما و در محدودترین نقش خود، هم راز همسرش نقش آفرینی کرده است؛ در ۱۰ اثر از ۳۵ اثر ادبی کودک و نوجوان برگرفته از *مثنوی*، شخصیت‌های مؤنث حضور جدی دارند و به عنوان «همراز»، «راهنما»، «همراه» و «نجات بخش» ایفای نقش کرده و دارای نام و نشان مشخص نیز هستند.

توجه به جنسیت، از مهم‌ترین ویژگی این آثار داستانی است. قرار دادن این شخصیت‌ها در محور روایت، از نوآوری‌های حاصل شده است. بعضی از این شخصیت‌ها، نام‌گذاری نیز شده‌اند. فاطمه، خواهر حامد در داستان *فیل در خانه تاریک* (ایرانی، ۱۳۶۶) لیلا در *طلسم*، (شریف‌رضویان، ۱۳۸۱)، از شخصیت‌های مؤنث دارای نام هستند.

اما حضور مثبت و مهم زنان، با نقش‌آفرینی همسر پیر چنگی در داستان *پیر چنگی* (پوروهاب،۱۳۸۶)، همسر ارباب جوان در داستان *آرزوی بزرگ*، *خیلی بزرگ*، (ملامحمدی، ۱۳۸۶)، همسر مرد نحوی در *حکایت مرد و دریا* (اسماعیلی سهی، ۱۳۷۶)، مادران کودکان و همسر استاد در *تدبیر کودکانه* (اروجلو، ۱۳۸۵)، به اوج خود می‌رسد. این شخصیت‌ها به ترتیب در نقش‌های «همراز و همدل»، «راهنما و نجات‌بخش»، «مراقب تربیتی» و «مربی» ظاهر شده‌اند.

شخصیت‌های نامبرده در روند شکل‌گیری کشمکش‌ها و ایجاد تحول در شخصیت‌های داستانی بسیار مؤثر هستند. همسر ارباب جوان در داستان *آرزوی بزرگ*، *خیلی بزرگ*، از ابتدا به عنوان هدایت‌گر وارد روایت می‌شود و تلاش می‌کند تا همسرش را از تصمیم خطرناک خود (آموختن زبان حیوانات) منصرف کند؛ اگرچه در رسیدن به هدف خود ناکام می‌ماند، اما آگاهی، تدبیر و تلاش او تقدیر کردنی و مهم است و برجستگی شخصیت او را نسبت به همسرش نشان می‌دهد. این انتخاب بیانگر اعتراضی است که شخصیت مؤنث داستان نسبت به فرهنگ جامعه‌ی خود دارد، جامعه‌ای که برتری را به جنس مذکر داده است.

از سوی دیگر حضور مادران کودکان در داستان *تدبیر کودکانه* بر نقش تربیتی مادران تأکید دارد. مادران در این داستان از غیبت کودکان خود و نرفتن به مدرسه نگران می‌شوند و برای رفع نگرانی خود راهی منزل استاد می‌شوند. این نقش‌ها ترسیم کننده‌ی وظایف اجتماعی زنان در جامعه‌ی ایرانی است و نشان می‌دهد که مادران در تربیت و تعلیم فرزندان از سهم به سزایی برخوردار هستند.

از نکته‌های جالب و جذاب در این آثار، نام‌گذاری پرندگان و حیوانات با عنوان‌هایی است که جنبه‌ی جنسیت را در آن‌ها تقویت می‌کند. «بی‌بی‌جان» در داستان *طوطی* (شهریاری، ۱۳۵۸) نام طوطی بازرگان است و خاله خودپسند و خاله موشه در داستان *خاله خودپسند* (رحماندوست، ۱۳۶۴)، از نمونه‌های جالب توجه است. «بی‌بی جان»، در داستان *طوطی*، به عنوان همدم و مونس بازرگان ایفای نقش می‌کند و در مرکز حوادث قرار دارد.

خاله خودپسند در داستانی با همین نام، بار معنایی منفی با خود دارد و دچار خودخواهی شده است. دادن این نام به شخصیت حیوانی روایت که نقشی منفی در داستان دارد، دیدگاه نویسنده را در برخورد با جنس مؤنث بیان می‌کند.

۲. ۱. ۲- شخصیت کودک و نوجوان[1]

مولانا، در *مثنوی* بارها واژه‌ی طفل و کودک را خطاب به همه‌ی انسان‌ها به کار می‌برد. در دیدگاه مولانا طفل کسی است که به کمال واقعی نرسیده است. بنابراین انسان‌های عامی، همه طفلانی هستند که در پرتو هدایت پیر به تکامل می‌رسند (پس همه خلقان چو طفلان ویند)، دیدگاه مولانا درباره‌ی دوران کودکی و کودک با آن چه در آثار ادبی اقتباسی از *مثنوی* وارد شده، متفاوت است.

در آثار اقتباسی از *مثنوی* به کودک در مفهوم واقعی آن توجه شده و به آن‌ها اجازه‌ی نقش‌آفرینی در داستان داده شده است. حضور ۱۰ شخصیت کودک و نوجوان در ۳۵ اثر روایی، گواه این ادعا است. با توجه به این مسأله که این آثار برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان، فراهم شده است، انتخاب شخصیت کودک و نوجوان و وارد کردن آن‌ها در داستان کاملاً شایسته به نظر می‌رسد و نشان از خلاقیت نویسندگان این آثار دارد.

این شخصیت‌ها گاه در نقش اصلی وارد می‌شوند، برای مثال پسرک باهوش و نکته سنج، پسرک کوچک، حامد و احمد، به ترتیب در داستان‌های *پسرک باهوش*، *تدبیر کودکانه* ، *فیل در خانه تاریک* ، *هم زشت، هم زیبا*، دارای نقش اصلی هستند. در داستان *پسرک باهوش*، شخصیت خردسال اثر با طنزپردازی خود فضایی شاد و سرشار از صمیمیت در بستر روایت ایجاد کرده است. این شخصیت خردسال با زبان طنز و گفتار کودکانه‌ی خود، پدر را واردار به تسلیم در برابر خود می‌کند.

پسرک کوچک در تدبیر کودکانه با تکیه بر قدرت اندیشه‌ی خود، بر استادش پیروز می‌شود. حامد در داستان *فیل در خانه تاریک*، نوجوانی فعال و جویای معرفت است و با ذهن پرسش‌گرانه‌ی خود به جستجوی حقیقت می‌پردازد و سرانجام بدان دست می‌یابد. مخاطب نوجوان، پابه‌پای حامد حرکت می‌کند و فراز و فرود کشمکش‌ها را تجربه می‌کند تا به نتیجه‌ی دلخواه خود برسد. مخاطب خود را در داستان و همراه با حامد حس می‌کند.

احمد در روایت هم زشت، هم زیبا، به تأمل در شیوه‌ی رفتاری شیخ مالک می‌پردازد و چرایی رفتار یکسان او را در دو موقعیت کاملاً متفاوت جویا می‌شود.

---

[1] Child and Adolescent Character

کنجکاوی و پویایی، از ویژگی‌های آشکار کودک و نوجوان است. این ویژگی‌ها به زیبایی در وجود شخصیت‌های این آثار درونی شده و این یکی از دلایل موفقیت این آثار در جذب مخاطب کودک و نوجوان است. حضور پررنگ این شخصیت‌ها در متن داستان، مخاطب را به فضای درونی روایت نزدیک کرده و سبب ایجاد حس هم‌ذات‌پنداری در او می‌شود و زمینه‌ی رشد فکری و شناخت‌شناسی را برای او فراهم می‌کند.

در بعضی از این آثار، شخصیت‌های کودک و نوجوان نقش فرعی بر عهده دارند. کودکان صالح در داستان *راز پنهان* (شریف‌رضویان، ۱۳۸۳) و کودکان حسن در داستان *طلسم* از نمونه‌های یاد شده هستند؛ اما این انتخاب نیز نشانگر اهمیت حضور کودکان و نوجوانان در آثار ویژه‌ی آن‌ها است. در داستان *راز پنهان*، نویسنده با توصیفی کوتاه، نگاهی گذرا به کودکان صالح شخصیت اصلی داستان می‌کند «کودکان لاغر و رنگ پریده‌اش از شدت ضعف و گرسنگی به خواب رفته بودند» کودکان در نقشی حاشیه‌ای و فرعی تنها حضوری اندک در شکل‌گیری داستان دارند و یک بار از آن‌ها یاد می‌شود.

در داستان *طلسم* نیز نویسنده از زبان راوی، به ترسیم شرایط دشوار زندگی کودکان حسن می‌پردازد «حسن کشاورز جوان، با ناراحتی در گوشه‌ای نشسته بود، به کودکان لاغر و رنگ پریده‌اش نگاه می‌کرد» نویسنده دو بار از کودکان این داستان نام می‌برد و با به تصویر کشیدن شرایط نابسامان آن‌ها، فضایی اندوه بار در روایت ایجاد می‌کند. حضور حاشیه‌ای این شخصیت‌ها در این آثار قابل تأمل و بررسی است.

از نکته‌های قابل توجه در این آثار، اشاره به سن حیوانات در تمثیل‌های حیوانی است. بچه فیل در داستان طوطی و جوجه‌ها، در مجموعه ی *شغالی که طاووس شد* (شریف رضویان، ۱۳۸۰)، از نمونه‌های قابل ذکر است. نویسندگان، بر آن هستند تا با این شیوه، فضایی کودکانه و صمیمی در داستان ایجاد کنند.

۲. ۱. ۳- شخصیت پویا[1]

«شخصیت پویا، شخصیتی است که به صورت مداوم در داستان دست‌خوش تغییر می‌شود و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان‌بینی او یا خصلت و خصوصیت

[1] Dynamic Character

شخصی او دگرگون میشود؛ البته این دگرگونی ممکن است سطحی یا عمیق باشد و ممکنست در جهت سازندگی یا ویرانی شخصیت حرکت کند»(میرصادقی،۱۳۸۸: ۹۴).

یکی از گونههای شخصیتی که عملکرد آن در آثار اقتباسی از *مثنوی* قابل توجه است، شخصیت پویا است. در ۱۵ اثر از ۳۵ اثر روایی بر گرفته از *مثنوی*، شخصیتها پویا هستند و دچار دگرگونی میشوند. در آثاری از قبیل *به دنبال میوه زندگی* (شادمانی، ۱۳۶۴)، *فیل در خانه تاریک*، *روستایی و شیر*(میرزا بیگی،۱۳۶۱)، *۷ موش کور* (یونگ،[1] ۱۳۸۳)، *قصه شیاد و مرد شتردار* (شایسته، ۱۳۶۸)، *راز پنهان*، شخصیتهای ثابت حکایتهای *مثنوی* دچار تحول شدهاند. برای مثال «موش» در داستان *موش خودپسند*، شخصیتی پویا است که در انتهای روایت دچار ندامت میشود و به اشتباه رفتاری خود اعتراف میکند، ویژگیهای جسمانی موش و ناتوانی او در عبور از رودخانه سبب تغییر در شیوهی عملکرد او میشود. در حکایت *مثنوی* این پویایی برجسته نشده است، اما در *موش خودپسند*، نویسنده با هدف جلب توجه مخاطب کودک، به توصیف جزییات رفتاری شخصیت داستان پرداخته است.

شخصیت «الاغ» در داستان *الاغ عاقبت بخیر* (عالیپیام، ۱۳۶۶)، با مشاهدهی حوادث تلخ داستان، به اشتباه خود پی میبرد و از ناسپاسی به درگاه خداوند، توبه میکند. در داستانهای *قدرتی که سود نداشت* (شریفرضویان،۱۳۸۰)، و *حکایت مرد و دریا*، اگر چه شخصیتهای داستان متنبه میشوند، اما تلاش آنها نتیجه بخش نیست و به فرجام ناخوشایندی دچار میشوند.

از نکات قابل توجه در این آثار آن است که نویسنده در سیر تحول شخصیتهای داستانی خود، تنها بر یکی از وجوه شخصیتی آنها تکیه میکند و غالباً رفع رذایل اخلاقی و کسب فضایل اخلاقی موردنظر است. تحول روی داده در شخصیتها تحولی صفاتی است. تغییر صفتهای انسانی در آثار ادبی کودک و نوجوان باید با دلیل همراه شود تا برای مخاطب باورپذیر باشد. البته تمرکز بر یک بعد وجود شخصیتها، از نکات مثبت این آثار است؛ زیرا مخاطب کودک و نوجوان نمیتواند با مسائل پیچیده و چندگانه ارتباط مناسبی برقرار کند و از روند روایت نتیجهی دلخواه خود را بگیرد؛ بنابراین تلاش نویسندگان این آثار در بیان یکی از ویژگیهای صفاتی شخصیتها و رفع معایب اخلاقی آنها به شیوهی غیرمستقیم قابل قبول و شایسته است.

---

[1] Ed Jung

۲. ۱. ۴- شخصیت اصلی[1]

شخصیت اصلی، شخصیتی است که مدار داستان بر گرد وجود او می‌گردد. این شخصیت‌ها با جزئیات بیش‌تر و مفصل‌تر تصویر می‌شوند و خصلت‌های فردی آن‌ها، ممتازتر از شخصیت‌های دیگر داستان است (عبداللهیان، ۶۴:۱۳۸۰).

از میان آثار بررسی شده، در ۶ اثر شخصیت‌های اصلی خلق شده‌اند. ۳ شخصیت کودک و نوجوان، در داستان‌های *طوطی و بازرگان* (صالحی، ۱۳۸۶)، *فیل در خانه تاریک* و *هم زشت و هم زیبا*، شخصیت‌های اصلی جدید هستند. شخصیت‌های پدربزرگ، شیخ مالک، شغال ملامت‌گر و استاد، به ترتیب در روایت‌های *طوطی و بازرگان*، *طلسم*، *شغالی که طاووس شد* و *فیل در خانه تاریک*، دیگر شخصیت‌های خلق شده هستند که در حکایت‌های *مثنوی* حضور ندارند. رسالت این شخصیت‌ها گره‌گشایی از بحران داستان است. شخصیت شغال ملامت‌گر و استاد از این‌گونه شخصیت‌ها هستند. شغال ملامت‌گر پیر دانایی است که شغال نادان را متنبه می‌سازد و مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد.

استاد، شخصیت روحانی در داستان *فیل در خانه تاریک*، راز نامعلومی(شناخت فیل) را برملا می‌کند که دیگران از شناخت آن باز مانده‌اند. او راه رسیدن به معرفت را می‌آموزد. اگرچه حضور این شخصیت‌ها در داستان، برای حل بحران ضروری است؛ اما مخاطب کودک و نوجوان در جریان شناخت آن‌ها قرار نمی‌گیرد و این شخصیت‌ها در ذهن او تعریف نشده باقی می‌مانند و مخاطب تنها با توصیفی از سوی راوی و کنش رفتاری شخصیت، به شناختی سطحی دست می‌یابد.

انتخاب عنوان و منصب اجتماعی متناسب با رفتار شخصیت‌های اصلی یکی از راه‌هایی است که نویسندگان تلاش کرده‌اند تا این شخصیت‌ها را برای مخاطب باورپذیر کنند. واژه‌های پدربزرگ، شیخ و استاد، غالباً برای مخاطب کودک و نوجوان همراه با معناهای تعریف شده‌ای است که دانا و کامل بودن را به ذهن تداعی می‌کند. شیخ در داستان *هم زشت، هم زیبا*، با صبر و شکیبایی، در برابر توهین‌های «پیرمرد کافر»، رفتاری متناسب با نام و منصب اجتماعی خود، به نمایش می‌گذارد؛ به گونه‌ای که احمد شخصیت نوجوان اثر را راضی و خرسند می‌کند. در داستان *فیل در خانه*

[1] Main Characte

تاریک، استاد از مکتب‌خانه راهی میدان شهر شده و فیل را به مردم معرفی می‌کند. علم وآگاهی استاد حامد درباره‌ی فیل، هماهنگی مقام اجتماعی و شخصیت او را به دنبال دارد.

۲. ۱. ۵- شخصیت تمثیلی[1]

شخصیت‌های تمثیلی شخصیت‌های جانشین شونده هستند؛ به این معنا که شخصیت یا شخصیت‌هایی جانشین فکر، خلق‌وخو، خصلت و صفتی می‌شوند (میرصادقی، ۱۰۴:۱۳۸۸). این «تیپ» از شخصیت‌ها قادر هستند مفاهیم اخلاقی یا کیفیت‌های روحی و روشنفکرانه را در قالب عمل ارائه دهند.

این گونه از شخصیت‌ها در آثار برگرفته از *مثنوی*، حضوری گسترده داشته و بیش‌تر از نوع حیوانات هستند. تمثیلی بودن ساختار حکایت‌های *مثنوی*، زمینه را برای پرورش این‌گونه شخصیت‌ها فراهم کرده است.

در تمامی آثار ادبی برگرفته از *مثنوی*، می‌توان شخصیت‌های تمثیلی را مشاهده کرد. به عنوان مثال طوطی، در داستان *طوطی و بقال*(شمس،۱۳۸۶)،طاووس، در *طاووس عاقل*، (شریف‌رضویان، ۱۳۸۲)، موش، در *خاله خوپسند*، الاغ، در *الاغ عاقبت بخیر* و *آهو در طویله* (بی‌نا، ۱۳۶۳)، شخصیت‌های تمثیلی هستند.

در این آثار بسیاری از شخصیت‌های تمثیلی با شخصیت‌های نمادین در هم آمیخته‌اند و هر کدام از این شخصیت‌ها، نماد مفهوم یا اصلی اخلاقی قرار گرفته‌اند. این شخصیت‌های تمثیلی، یا از ابتدا افرادی مثبت هستند یا این که در مسیر داستان دچار تحول و پویایی می‌شوند. برای نمونه در آثاری از قبیل *فیل در خانه تاریک*، *راز*، *۷موش کور*، ما شاهد شخصیت‌های تمثیلی برجسته هستیم. *راز* (پریرخ، ۱۳۸۶)، از نمونه آثار ادبی برگرفته از *مثنوی* است که از وجه تمثیلی – تخیلی بسیار قوی برخوردار است. در این اثر داستانی شخصیت‌های تمثیلی – تخیلی، زمینه‌ی گسترش پی‌رنگ روایت و ایجاد کشمکش‌ها را فراهم کرده‌اند. همچنین در این اثر روایی، عناصر طبیعت در قالب شخصیت‌هایی تخیلی ایفای نقش می‌کنند.

نویسنده در داستان *راز*، ترکیبی از شخصیت‌های انسانی، روحانی و تخیلی را به وجود آورده است. پیک دل آگاه از شخصیت‌هایی است که با توجه به توصیف‌های

[1] Allegorical Character

ارائه شده از او، بعد روحانی در وجودش پررنگ می‌شود «دل پیر و دل پیک در گفت‌وگویی آرام و بی‌صدا بودند...»(همان:۵)، با تأمل در نام پیک و با توجه به توصیف‌های بیان شده درباره‌ی او، این اندیشه قوت می‌گیرد و روحانی بودن پیک توجیه می‌شود. پیر نیز دیگر شخصیت روحانی اثر است که در کنار شخصیت‌های تمثیلی- تخیلی، تنوع و زیبایی در اثر ایجاد کرده است. شخصیت‌های مردچوبی و مردسنگی، شخصیت‌هایی کاملاً تمثیلی- تخیلی هستند. مرد چوبی نماد سردی و بی عاطفگی و مرد سنگی نمایانگر سرسختی است.

در داستان *فیل در خانه تاریک*، ترکیبی از شخصیت‌های تمثیلی به وجود آمده است. فیل شخصیت حیوانی اثر، در مرکز روایت قرار گرفته است. استاد شخصیت روحانی است و عملکرد و گفتار او «باید نجاتشان داد از تاریکی. باید شمع روشنی به دستشان داد...» (ایرانی،۱۳۶۶:۲۸)، «شیخ گفت همه یک بیماری داریم. چون بیماری یکی بود دارو یکی باشد. جمله بیماری غفلت داریم، بیایید تا بیدار شویم» (همان:۲۶)، گواه بر این ادعا است. شخصیت‌های «مردان خان قهوه‌چی» و «پهلوان چوبک» نیز کاملاً تمثیلی هستند و نماد غرور وتکبر قرار گرفته‌اند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت‌های تمثیلی در این آثار، خلق شخصیت تمثیلی در ۵ اثر داستانی (*قصه گنج گمشده*، *راز*، *فیل در خانه تاریک*، *۷ موش کور* و *طلسم*) و دگرگونی شخصیت‌ها، در پایان روایت است. در این داستان‌ها شخصیت‌های تازه خلق شده، در پایان روایت کاملاً دگرگون می‌شوند. برای مثال، ۷ موش کور در داستانی با همین نام، شخصیت‌هایی تمثیلی هستند که با تلاش خود به شناخت فیل دست یافته و دگرگون می‌شوند.

۲. ۱. ۶- شخصیت طنزپرداز[1]

در بعضی از آثار ادبی کودک و نوجوان برگرفته از *مثنوی*، شخصیت‌هایی وجود دارند که شوخ طبع و لطیفه‌پرداز هستند؛ به گونه‌ای که جنبه‌ی شوخ طبعی آن‌ها بر دیگر ابعاد شخصیت‌شان سایه افکنده است. این شخصیت‌ها، در ایجاد فضایی طنزآمیز در این آثار مؤثر واقع شده‌اند. در ۶ اثر از مجموع ۳۵ اثر بررسی شده، رفتار این شخصیت‌ها نسبت به دیگر آثار، طنزآمیزتر است. جوحی در داستان *پسرک باهوش* (اروجلو،

[1] Comedy Character

۱۳۸۵)، خیاط حیله‌گر در حکایت *مرد جوان و خیاط حیله‌گر* (وظیفه‌شناس، ۱۳۸۶) و طبیب دانا (شریف‌رضویان،۱۳۸۳)، در داستان *طبیب دان* (شریف‌رضویان،۱۳۸۳)، و کله کدو در داستان *پرنده سخن‌گو* (قاسم‌نیا، ۱۳۸۶) از شخصیت‌های در خور ذکر هستند.

در داستان *مرد جوان و خیاط حیله‌گر*، خیاط شخصیتی بذله‌گو است که فضای داستان را نشاط‌آور کرده است؛ اما این صفت نیک، برای رسیدن به امیال انسانی و هدف‌های نادرست به کار گرفته شده است. این شخصیت شوخ‌طبع در پایان روایت به عمل نادرست خود اعتراف کرده و خود را از اتهام مخاطب تبرئه می‌کند. نویسندگان آثار اقتباسی، در پردازش این شخصیت‌ها بیش‌تر بر گفتار طنزآمیز آن‌ها تأکید کرده‌اند و از راه گفت‌وگو در روایت، فضای داستان را شاد و نشاط‌آور ساخته‌اند.

انتخاب نام‌های طنزآلود، از دیگر نوآوری‌های صورت گرفته در این آثار است. برای مثال «کله کدو»، در *پرنده سخن‌گو* (قاسم‌نیا، ۱۳۸۶)، «طوطی کچل»، در روایت *طوطی کچل*، (دستوم، بی‌تا)، مردان‌خان قهوه‌چی و پهلوان چوبک در داستان *فیل در خانه تاریک* (ایرانی، ۱۳۶۶) شخصیت‌هایی هستند که نام آن‌ها دارای بار طنز است. انتخاب نام‌های طنزآلود، بر ارزش هنری این آثار افزوده است. این نام‌گذاری‌ها در آثار اقتباسی از *مثنوی* تازگی دارد و جذابیت ویژه‌ای به آن‌ها بخشیده است. به کار بردن این شیوه از یک سو مخاطب کودک و نوجوان را شادمان می نماید و از سوی دیگر پیام نویسنده را با بن مایه‌ی طنز بیان می‌کند و تأثیر آن بر مخاطب نیز افزون‌تر است.

در تمامی آثار برگرفته از *مثنوی*، انواع طنز وجود دارد که در لایه‌های پنهانی اثر، قابل بازیابی است؛ اما طنز در گفتار در این آثار بسیار پررنگ‌تر است.

۲. ۱. ۷- شخصیت نام‌دار[1]

در *مثنوی* به سبب جنبه‌ی داستان پردازانه‌ی آن، شخصیت‌ها ابزار بیان اندیشه‌های مولانا و ترویج صفات نوعی انسان هستند؛ بنابراین تنها بر ویژگی‌های عام و کلی آن‌ها تأکید می‌شود. اما در آثار ادبی برگرفته از *مثنوی* برای کودکان و نوجوانان، شخصیت‌های داستانی در مرکز توجه نویسنده قرار دارند و بر ویژگی‌های جزیی آن‌ها تأکید می‌شود. برای مثال نویسندگان در آثار خود برای شخصیت‌ها نام و عنوان مشخص انتخاب کرده‌اند. در ۱۱ اثر از مجموع ۳۵ اثر بررسی شده، شخصیت‌ها نام‌گذاری شده‌اند و در

[1] Named Character

بقیه‌ی آثار براساس ویژگی‌ها، خلق‌وخو، شغل و منصب اجتماعی، دارای لقب و صفت هستند. منصور، نادر، احمد، صابر، صالح، شخصیت‌های انسانی دارای نام هستند، نام‌های انتخاب شده برای این شخصیت‌ها، غالباً با ویژگی‌های روحی و روانی آن‌ها تناسب دارد و دارای بار عاطفی و نمادین است؛ بنابراین اسامی شخصیت‌ها معانی ضمنی داستان و اندیشه‌ی نهفته‌ی نویسنده را آشکار می‌سازند.

شخصیت‌های روحانی و تاریخی نیز در این آثار دارای نام هستند. حضرت یوسف(ع) در *آینه‌ای برای تو*، (شریف‌رضویان، ۱۳۸۰الف) حضرت موسی(ع)، در داستان *آرزوی بزرگ، خیلی بزرگ* و *قدرتی که سود نداشت* (شریف‌رضویان، ۱۳۸۰ب) سلطان هرمز در *به دنبال میوه زندگی* (شامانی، ۱۳۶۴)، از نمونه های قابل ذکر هستند.

در بعضی از تمثیل‌های حیوانی، نیز نویسندگان برای شخصیت‌ها نام برگزیده‌اند، برای نمونه «بی‌بی‌جان» نامی است که برای طوطی در داستان *طوطی و بازرگان*، *انتخاب* شده است.

انتخاب صفت به جای اسم برای شخصیت‌ها از دیگر شیوه‌های انتخابی نویسندگان در داستان است که نویسنده از راه آن می‌کوشد، به شخصیت روایت هویت ببخشد. گزینش یک صفت از میان مجموع صفات انسانی یک فرد و تمرکز بر روی آن، شخصیت داستان را تک بعدی می‌کند. البته در آثار ادبی کودک و نوجوان با توجه به سطح دریافت مخاطب در این باره تصمیم‌گیری می‌شود. مخاطب کودک با شخصیت ساده یا تک بعدی ارتباط بهتری برقرار می‌کند و به درک و شناخت بهتری از او دست می‌یابد؛ اما نوجوان از مطالعه‌ی شخصیت‌های پیچیده لذت بیش‌تری می‌برد و به شناختی عمیق از آن‌ها دست می‌یابد. موش خودنما و شتر باصفا، پیک دل‌آگاه، خیاط حیله‌گر، شغال پیر، شخصیت‌هایی هستند که برجسته‌ترین صفت آن‌ها، جانشین اسم آن‌ها شده است.

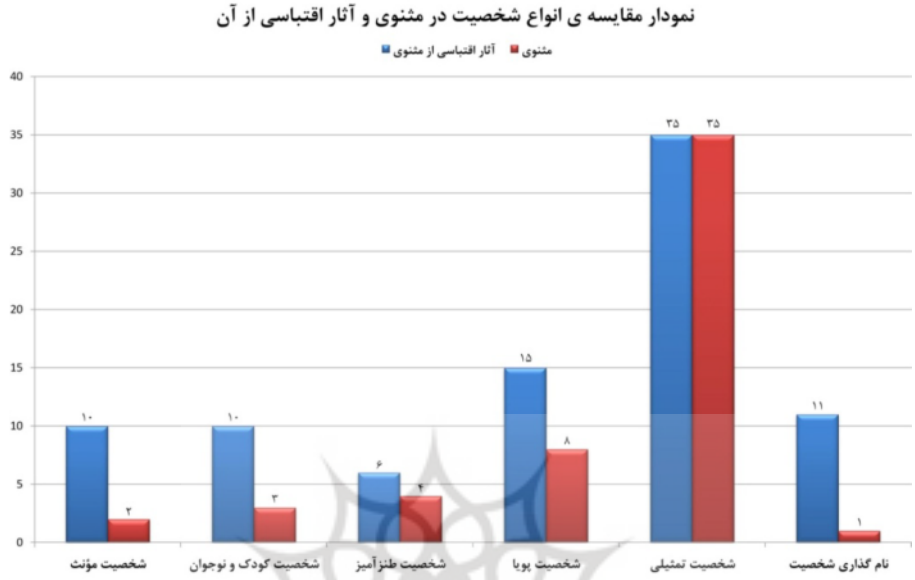

۳. مقایسه‌ی انواع شخصیت در *مثنوی* با آثار اقتباسی از آن برای کودکان و نوجوانان

با توجه به اهمیت شخصیت در داستان، نویسندگان آثار اقتباسی از *مثنوی* برای کودکان و نوجوانان تلاش کرده‌اند با نوآوری در گونه‌های شخصیتی، بر اهمیت شخصیت‌سازی در روایت تأکید کنند. با این هدف انتخاب شخصیت‌های کودک و نوجوان، شخصیت مؤنث، نام گذاری شخصیت‌ها و ایجاد پویایی در عملکرد آن‌ها، در کانون توجه این نویسندگان قرار گرفته است.

شخصیت پویای کودک و نوجوان، در آثار اقتباسی، با ورود خود به داستان و ایجاد هیجان در ساختار روایت، سبب هم‌ذات پنداری مخاطب با اثر می‌شود. شخصیت مؤنث و حضور او در این آثار، نشان از تحول دیدگاه جامعه درباره‌ی جنس مؤنث دارد. بسامد بالای شخصیت‌های پویا در این آثار، مخاطب کودک و نوجوان را به تلاش و تکاپو برای اصلاح رفتارهای نادرست برمی‌انگیزد. بنابراین دقت نظر نویسندگان در انتخاب نوع شخصیت در آثار اقتباسی، بر ارزش هنری این آثار افزوده است.

۳. ۱. شیوه‌های شخصیت‌پردازی در آثار اقتباسی از *مثنوی* برای کودکان و نوجوانان

شخصیت داستان محور تمام حوادث و کنش‌های روایت قرار می‌گیرد. محوریت این عنصر، نویسنده را بر آن می‌دارد تا به شیوه‌ی صحیح و مناسب، شخصیت‌های اثر خود را به مخاطب معرفی کند. البته با توجه به گروه سنی و ذوق و سلیقه‌ی مخاطب، کاربرد این شیوه‌ها متفاوت می‌شود. در هر حال نویسنده با پرداختن به ظاهر، گفته‌ها، اندیشه‌ها و رفتارهای شخصیت محوری داستان و نشان دادن برداشت‌های دیگر شخصیت‌ها، به شخصیت‌پردازی دست می‌زند (نورتون،[1] ۱۳۸۲:۱۱۰).

نویسنده ممکن است شیوه‌های مختلفی برای معرفی شخصیت خود انتخاب کند؛ اما رایج‌ترین و مهم‌ترین این شیوه‌ها، روش مستقیم و روش غیرمستقیم است. در آثار اقتباسی از *مثنوی* برای کودکان و نوجوانان، نیز نویسندگان در معرفی شخصیت‌های آثار خود، از این دو شیوه در ابعاد مختلف آن بهره برده‌اند.

۳. ۱. ۱- شیوه‌ی مستقیم

در این روش، نویسنده تمامی ویژگی‌های جسمانی و روانی شخصیت‌های داستان را به طور مستقیم توصیف می‌کند. این شیوه از پرکاربردترین روش‌ها در ادبیات داستانی است. معرفی مستقیم شخصیت‌ها در داستان به چهار شیوه انجام می‌شود:

- گفت‌وگوی شخصیت با خود (حدیث نفس)
- گفت‌وگوی شخصیت‌ها با یکدیگر
- توصیف راوی (توصیف مستقیم، انتخاب عنوان، لقب و صفت مناسب)
- شخصیت‌پردازی به روایت تصویر (عبداللهیان،۱۳۸۰: ۶۲-۶۳).

۳. ۱. ۲- روش غیرمستقیم

در این شیوه، شخصیت به وسیله‌ی راوی معرفی نمی‌شود بلکه در طی حوادث داستانی، جنبه‌های وجودی خویش را به نمایش می‌گذارد (همان،۶۶). خواننده در این روش از راه عملکرد و واکنش شخصیت در فضای داستان، وی را می‌شناسد. این روش عرضه کردن شخصیت‌ها، جزء جدایی‌ناپذیر روش نمایشی است. در این روش گاه با نمایش

[1] Dona Norton

کشمکش‌های ذهنی و عواطف درونی شخصیت‌ها، خواننده به شیوه‌ی غیرمستقیم شخصیت را می‌شناسد (میرصادقی، ۹۱:۱۳۸۸).

۳. ۱. ۳- شیوه‌ی تلفیقی

این شیوه؛ ترکیبی از دو روش مستقیم و غیرمستقیم است که در بیش‌تر آثار داستانی کاربرد دارد.

در ۳۵ اثر ادبی برگرفته از *مثنوی* برای کودکان و نوجوانان، هر سه شیوه‌ی شخصیت‌پردازی دنبال شده است. در این میان بیش‌ترین کاربرد از آن «تصویرگری» و «گفت‌وگو» است و توصیف راوی، انتخاب عنوان مناسب برای اثر و نام و صفت برای شخصیت‌ها در رتبه‌های بعد قرار دارد. کاربرد فراوان شیوه‌های تصویرگری و گفت‌وگو در پردازش شخصیت، نشان‌دهنده‌ی آن است که به میزان درک مخاطب و نوع علاقه و ذوق او، توجه شده است.

در غالب آثار بررسی شده، نویسنده مستقیماً در مقدمه و در خلال اثر، به معرفی شخصیت‌ها می‌پردازد. در بعضی از آثار توصیف راوی عمیق و زیبا و هنری است به گونه‌ای که مخاطب از جزیی‌ترین ویژگی‌های ظاهری یا درونی شخصیت‌ها آگاه می‌شود. به عنوان مثال در داستان *پرنده چه گفت؟* (رؤیا، ۱۳۶۳) و *شکارچی و خرس* (عالی‌پیام، ۱۳۶۶)، نویسنده به زیبایی از عهده‌ی توصیف شخصیت‌های داستان بر آمده است. «پرنده از فشار انگشت‌های زبر و درشت شکارچی، خودش را جمع کرده بود و دل دل می‌زد...شکارچی... دهانش تا بیخ گوش باز شد، دندان‌های درشت تیزش بیرون زد و دماغش رو به پایین کش آمد...نگاهش از خشم نگاه ترس‌آوری بود، هم در خنده‌اش زهر بود و هم در نگاهش... » (رؤیا، ۸:۱۳۶۳)، نویسنده با ترسیم شکل ظاهری و حرکات رفتاری شکارچی تلاش می‌کند تا از یک سو، ترس و دلهره‌ی پرنده کوچک را تداعی کند و از سوی دیگر صفات سنگ دلی و بی‌رحمی شکارچی را در ذهن مخاطب ماندگار کند. توصیف دقیق راوی از چهره و حالات روانی شکارچی، ویژگی‌های او را برای مخاطب عینی کرده و در فضای داستان هیجان ایجاد می‌کند.

در *طوطی* نیز شخصیت طوطی با بیانی هنری و ملموس به مخاطب کودک معرفی شده است «طوطی راستی هم قشنگ بود، بال و پرش رنگ سبزه‌های بهاری بود، سبز بود، نوکش رنگ لاله‌های صحرایی را داشت سرخ بود...» (شایسته، ۴:۱۳۵۸). این تصویرهای زیبا از شخصیت پرنده‌ی داستان از سویی فضایی صمیمی در داستان ایجاد

کرده و از سوی دیگر مخاطب کودک را با تصویرهای ادبی آشنا می‌کند و به برانگیختن حس زیبایی‌شناسی او کمک می‌کند.

به موازات گفتار مستقیم راوی، انتخاب عنوان برای اثر و نام و لقب مناسب برای شخصیت‌ها بر اساس ویژگی‌ها و خلق‌وخوی آن‌ها، شخصیت‌پردازی این آثار را کامل می‌کند. نویسندگان آثار اقتباسی از *مثنوی* برای کودکان و نوجوانان، در ٪۹۰ از آثار خود، به وسیله‌ی عنوان مناسب برای داستان، شخصیت‌پردازی کرده‌اند. این عنوان‌ها بر اساس ویژگی‌های ظاهری و روانی شخصیت‌ها، انتخاب شده است. *الاغ عاقبت بخیر*، *موش خودپسند*، *طوطی کچل*، *طبیب دانا*، از نمونه‌های قابل ذکر است. عنوان این آثار، در اولین نگاه، هویت شخصیت را برای مخاطب آشکار می‌سازد و مهم‌ترین صفت شخصیتی او را که محور کنش‌ها و حوادث داستان است، تعریف می‌کند. در آثاری که برای مخاطب کودک نوشته می‌شود، با توجه به میزان دریافت مخاطب این شیوه مناسب است؛ اما ذهن مخاطب نوجوان با انتخاب این شیوه از تلاش ذهنی باز می‌ماند و به لذت هنری نمی‌رسد.

گزینش نام و صفت مناسب برای شخصیت‌ها، از دیگر شیوه‌های کارآمد نویسندگان این آثار است. صالح، عدی، صابر، منصور، شیخ مالک، طاووس عاقل، نام‌ها و صفت‌هایی هستند که به زیبایی شخصیت‌های این آثار را معرفی می‌کنند.

با وجود کاربرد فراوان شیوه‌ی توصیف، دو شیوه‌ی تصویرگری و گفت‌وگو هم چنان شیوه‌های غالب در شخصیت‌پردازی این آثار است. گفت‌وگوی شخصیت داستان با خود، در آثار اقتباسی پررنگ‌تر شده است. به عنوان مثال در روایت‌های *پرنده سخن گو*، راز، *راز پنهان* و *موش خودپسند*، حدیث نفس، مورد توجه قرار گرفته است.

در داستان *پرنده سخن گو*، یکی از اعضای بدن (شکم) شخصیت طنزآمیز کله کدو، با صاحب خود به گفت‌وگو می‌نشیند و او را ترغیب به انجام کارهایی برای رسیدن به هدف خود می‌کند «شکمش فریاد کشید که تلف شدم از گرسنگی! مگر نمی‌بینی که سفره ناهارمان پهن شده است؟ بوی خوش چلو و خورش را نمی‌فهمی؟...» (قاسم‌نیا، ۲۹:۱۳۸۶)، و شخصیت داستان تحت تأثیر سخنان شکم خود پرخوری را پیشه‌ی خود کرده است. گفت‌وگوی شخصیت اصلی داستان کله کدو، با خود در تمام داستان ادامه دارد؛ به گونه‌ای که مخاطب از این راه به شناخت کافی از شخصیت دست می‌یابد.

در داستان *راز*، دل به عنوان عضوی مقدس در بدن، که مرکز معرفت و محبت حق است، مشوق اصلی شخصیت داستان (پیک دل آگاه) برای رسیدن به میوه‌ی معرفت است و در سختی‌های راه او را همراهی می‌کند و راه بر او می‌گشاید. پیک دل آگاه در گفت‌وگوی با دل یا ندای درونی خود در فراز و فرود داستان، از ناامیدی به امید می‌رسد و اشتیاق به ادامه‌ی راه در او افزون می‌شود.

عملکرد و رفتار شخصیت‌ها در مقایسه با دیگر شیوه‌ها کاربرد کم‌تری داشته است. با این حال کنش رفتاری شخصیت‌های آثار اقتباسی نسبت به شخصیت‌های حکایت‌های *مثنوی*، پررنگ‌تر است. دور شدن روایت از عملکرد شخصیت‌ها، نشان دهنده‌ی آن است که نویسندگان این آثار تأثیر گفت‌وگوی مستقیم و شیوه‌ی تصویرگری را در معرفی شخصیت‌ها، با توجه به ویژگی‌های مخاطب بیش‌تر دانسته‌اند.

۳. ۱. ۴- نوآوری در شخصیت‌پردازی (شخصیت‌پردازی به روایت تصویر)

یکی از شیوه‌های ابداعی نویسندگان آثار برگرفته از *مثنوی* که از مهم‌ترین تفاوت‌های شخصیت‌پردازی این نویسندگان با *مثنوی*، به شمار می‌رود و در شخصیت‌پردازی آثار ادبی کودک و نوجوان، بسیار مورد توجه قرار گرفته است، شخصیت‌پردازی به روایت تصویر است. در این شیوه، تصویرگر با مهارت و خلاقیت خود از راه تصویر، شخصیت‌ها را به مخاطب معرفی می‌کند. تصویرگری اثر، ارتباط تنگاتنگی با سن و سلیقه‌ی مخاطب کودک و نوجوان دارد و در جذب وی بسیار کارآمد است.

در داستان‌های داستانی تصویری اصل بر آن است که تصویر و متن مکمل یکدیگر باشند، حتی تصاویر کامل‌تر از متن، خود را نشان دهند و در بیان مفاهیم، موفق‌تر از زبان نوشتار عمل کنند و هماهنگ با پی‌رنگ و حال و هوای داستان باشند و شخصیت‌پردازی را تقویت کنند (نورتون،۱۳۸۲:۸۷). برای رسیدن به این هدف، تصویرگر تلاش می‌کند هم‌گام با نویسنده حرکت کند و زبان تصویر را در آفرینش حوادث، شخصیت‌پردازی و صحنه‌پردازی، به کار گیرد. عناصر به کار رفته در هنر تصویرگری، خط، رنگ، شکل و بافت است که در پیوند با یکدیگر یک ساختار منسجم را شکل می‌دهند و عناصر داستان را به تصویر می‌کشند. گاه یک تصویر زیبا و هنری از یک شخصیت، تمام ناگفته‌های راوی را قبل از خوانش متن بیان می‌کند.

در غالب آثار ادبی اقتباسی از *مثنوی*، این شیوه به کار رفته است و کم‌تر اثری را می‌توان یافت که از هنر تصویرگری، بهره‌مند نباشد. میزان خلاقیت در تصاویر این آثار

متفاوت است. در داستان *فیل در خانه تاریک* تصاویر انتخاب شده، غالباً تصاویر کدر و مبهم هستند و وضوح چندانی ندارند. چهره‌ها اغلب نازیبا و غیرواضح است، پوشش و ظاهر افراد نیز زیبا و جذاب نیست. در تک چهره‌ها، احساس، حالت و ویژگی‌های شخصیت، به مخاطب منتقل نشده است. در بعضی تصاویر، فضای خالی وجود دارد که ضعف تصویرگر را می‌رساند. تصاویر دارای یگانگی، توازن و ضرب‌آهنگ لازم نیستند تا به مخاطب لذت زیبایی شناختی بدهند.

داستان راز آن درخت (گل محمدی، ۱۳۸۴) از آثاری است که شیوه‌ی تصویرگری در آن بر دیگر شیوه‌های شخصیت‌پردازی برتری دارد. در این اثر تمرکز تصویرگر بر بیان جزئیات بافت تصویر است. تصویرها، مفاهیم را منتقل می‌کنند خطوط و رنگ‌ها سخن می‌گویند و هر کدام سمبل و نشانه هستند. برای نمونه حضور کلاغ‌ها در چندین تصویر که سمبل خبررسانی هستند یا تصویر گیاهان و حیوانات که نماد زندگی و حیات هستند، نمادین بودن تصاویر را توجیه می‌کند. تصویرگر در این اثر، در مقام راوی حاضر شده، این روایت‌گری با واژه‌ها و جمله‌ها انجام نگرفته بلکه به کمک نقطه، خط و رنگ انجام شده است.

در داستان *۷ موش کور*، به کار بردن رنگ‌های گوناگون در ترکیب با هم و نام‌گذاری روزهای هفته با رنگ‌ها، فضایی تصویری در روایت ایجاد کرده است. در این اثر، مهارت دیداری مخاطب کودک با مشاهده‌ی رنگ‌های مختلف تقویت می‌شود. رنگ اشخاص در این داستان، با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی آن‌ها انتخاب شده و تصویرگر با هنرمندی و مهارت بین گفتار، رفتار و رنگ انتخابی هر کدام از شخصیت‌ها هماهنگی ایجاد کرده است.

۴. نتیجه‌گیری

شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار برگرفته از *مثنوی* برای کودکان و نوجوانان، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. با بررسی تعدادی از این آثار، درباره‌ی شخصیت و شخصیت‌پردازی نتایج جالب توجهی به دست آمده که به قرار زیر است: پراکندگی و گستردگی آثار ادبی کودک و نوجوان اقتباسی از *مثنوی*، تنوع شخصیت‌ها را به دنبال داشته است؛ به گونه‌ای که انواع شخصیت‌های روحانی، تمثیلی، کودک و نوجوان و مؤنث و... در این آثار وارد شده‌اند. در این میان با توجه به ساختار تمثیلی آثار،

شخصیت‌های تمثیلی (به ویژه تمثیل حیوانی) بیش از دیگر شخصیت‌ها ایفای نقش کرده‌اند. کودکان صحبت کردن حیوانات را دوست دارند و این شیوه تخیل آن‌ها را تقویت می‌کند؛ بنابراین شخصیت‌های تمثیلی حیوانی بیش از دیگر شخصیت‌ها در برقراری ارتباط با کودک موفق هستند. در کنار این شخصیت‌ها، حضور شخصیت‌های روحانی قابل توجه است؛ البته شخصیت‌های روحانی برای مخاطب کودک شناخته شده نیست و کودک به سختی می‌تواند کنش‌های رفتاری او را باور کند.

بعضی از انواع شخصیت‌ها در *مثنوی* حضور بسیار کم‌رنگی دارند؛ در حالی که در آثار ادبی کودک و نوجوان برگرفته از *مثنوی*، حضور این شخصیت‌ها پررنگ است؛ از جمله‌ی این شخصیت‌ها، شخصیت مؤنث و شخصیت کودک و نوجوان است، توجه به جنسیت و اعطای نقش‌های کلیدی به کودک و نوجوان در این آثار، همراهی مخاطب را با اثر تضمین کرده و زمینه‌ی مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را برای او فراهم می‌کند.

نویسندگان آثار ادبی کودک و نوجوان، در پردازش شخصیت‌های آثار خود، اغلب از دو شیوه‌ی مستقیم و غیرمستقیم بهره برده‌اند. که سه عنصر «تصویر»، «گفت‌وگو» و«توصیف»، ابزار کار آن‌ها بوده است. شیوه‌ی غالب در شخصیت‌پردازی آثار ادبی کودک و نوجوان، شیوه‌ی تصویرگری است و گفت‌وگوی مستقیم شخصیت‌ها و توصیف در رتبه‌ی بعد قرار دارد. گفت‌وگوی شخصیت‌های حیوانی با یکدیگر، بسیار تأمل‌برانگیز و جذاب است و تخیل مخاطب کودک را تقویت می‌کند. بیان آموزه‌های اخلاقی از زبان حیوانات، تأثیر شگرفی بر ذهن مخاطب کودک دارد وفضایی تخیلی در داستان ایجاد می‌کند.

شیوه‌ی غیرمستقیم، نسبت به دیگر شیوه‌ها در شخصیت‌پردازی آثار اقتباسی از *مثنوی*، کم‌ترین کاربرد را دارد، کنش‌ها و عملکرد شخصیت‌ها در این آثار کمتر ظاهر شده است. با این همه عملکرد شخصیت‌ها در آثار اقتباسی از *مثنوی*، نسبت به کنش شخصیت‌های *مثنوی* پررنگ‌تر است.

فهرست منابع

آهو در طویله. (بی‌تا). تهران: ابتکار.

اروجلو، فریدون. (۱۳۸۵). *پسرک باهوش*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــ (۱۳۸۵). *تدبیر کودکانه*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

اسماعیلی سهی، مرتضی. (۱۳۷۶). *حکایت مرد و دریا*. تصویرگر: مرتضی اسماعیلی سهی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

ایرانی، ناصر. (۱۳۶۴). *داستان: تعاریف، ابزارها و عناصر*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

ـــــــــــــ (۱۳۶۶). *فیل در خانه تاریک*. تصویرگر: بهرام خائف، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

براهنی، یونس. (۱۳۸۸). *هنر داستان‌نویسی*. تهران: نگاه.

پایور، جعفر. (۱۳۸۰). «بررسی چند دهه بازنویسی از *مثنوی*». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، شماره‌ی ۴۳، صص۱۶-۲۲.

پریرخ، زهره. (۱۳۸۶). *راز*. تصویرگر: پژمان رحیمی زاده، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

پوروهاب، محمود. (۱۳۸۶). *پیر چنگی*. تصویرگر: علی شکاری، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

دستوم، حسین. (بی‌تا) *طوطی کچل*. تصویرگر: احمد قربانی، تهران: قصه خونه (لیات).

رحماندوست، مصطفی. (۱۳۶۴). *خاله خودپسند*. تصویرگر: سلمان بابایی، تهران: پیام آزادی.

رؤیا. (۱۳۶۴). *پرنده سخن‌گو*. تصویرگر: بهمن دادخواه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

سنجری، جمیله. (۱۳۸۴). *نقد و بررسی آثار بازنویسی از شاهنامه، کلیله و دمنه، مرزبان نامه، منطق الطّیر، مثنوی و گلستان برای کودکان و نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه کرج.

سیگر، لیندا (بی‌تا). *خلق شخصیت‌های ماندگار*. ترجمه‌ی عباس اکبری. تهران: مرکز گسترش سینمای تجربی.

شامانی، محمدعلی. (۱۳۶۴). *بدنبال میوه زندگی*. تصویرگر: سیاوش ذوالفقاریان، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

شایسته، خسرو. (۱۳۶۸). *قصه شیاد و مردشتردار*. تصویرگر: رضا زاهدی، تهران: سپیده.

شریف‌رضویان، مریم. (۱۳۸۱). *فرار از سرنوشت*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۰). *آینه‌ای برای تو*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۰). *شغالی که طاووس شد*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۰). *قدرتی که سود نداشت*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۱). *طلسم*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۱). *هم زشت، هم زیبا*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۲). *طاووس عاقل*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۳). *راز پنهان*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۳). *طبیب دانا*. تصویرگر: سلیم صالحی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری طاهر.

شهریاری، خسرو. (۱۳۸۲). *طوطی*. تصویرگر: رضا درخشانی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شمس، محمدرضا. (۱۳۸۶). *طوطی و بقال*. تصویرگر: امیر شعبانی‌پور، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

صالحی، آتوسا. (۱۳۸۶). *طوطی و بازرگان*. تصویرگر: نیره تقوی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
عالی پیام، ماشاءالله. (۱۳۶۶). *شکارچی و خرس*. تهران: گلبرگ.
ـــــــــــــــ (۱۳۶۶). *الاغ عاقبت بخیر*. تهران: گلبرگ.
عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۰). «شیوه‌های شخصیت‌پردازی». *ادبیات داستانی*، شماره‌ی ۱، صص ۶۲-۷۰.
قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۸۶). *پرنده سخن‌گو*. تصویرگر: مهکامه شعبانی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
گل‌محمدی، فیروزه. (۱۳۸۴). *راز آن درخت*. تصویر: فیروزه گل‌محمدی، تهران: افق.
مستور، مصطفی. (۱۳۸۷). *مبانی داستان کوتاه*. تهران: مرکز.
ملامحمدی، مجید. (۱۳۸۶). *آرزوی بزرگ خیلی بزرگ*. تصویرگر: علی شکاری، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۸۸). *مثنوی*. تهران: علمی و فرهنگی.
میرزابیگی، علی. (۱۳۶۱). *روستایی و شیر*. تصویرگر: پرویز کلانتری، تهران: امیرکبیر.
میرصادقی، جمال. (۱۳۸۸). *عناصر داستان*. تهران: سخن.
نورتون، دونا. (۱۳۸۲). *شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک*. تهران: قلمرو.
وظیفه‌شناس، شراره. (۱۳۸۶). *مرد جوان و خیاط حیله‌گر*. تصویرگر: راشین خیریه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
یونگ، اد. (۱۳۸۳). *۷ موش کور*. تصویرگر: اد.یونگ، ترجمه‌ی سیدمهدی شجاعی، مهدی پوررضاییان، تهران: کتاب نیستان.